



معرفی دایرةالمعارف جودائیکا

حسین سلیمانی

Encyclopaedia Judaica (17 Vols. & Decennial Book 1983-1992),
Encyclopaedia Judaica Jerusalem, Israel,
Corrected ed., 1996.

اشاره

دایرةالمعارف جودائیکا (*Encyclopaedia Judaica*) یک اثر بسیار مهم یهودی است که انتشار آن از چند دهه پیش آغاز شده است. این اثر حاصل سال‌ها کار فشرده و متمرکز پژوهندگانی یهودی از سراسر جهان است و تصویری جامع از تمام جنبه‌های زندگی و دانش یهودی تا روزگار حاضر ارائه می‌کند. پدیدآورندگان دایرةالمعارف یهودیان و غیریهودیان، هر دو، را مخاطب این مجموعه می‌دانند.

در این نوشتار، ابتدا ساختار و پیشینه دایرةالمعارف و سپس، برای آشنایی بیشتر، چند نمونه از مدخل‌های آن به اختصار معرفی شده است.

بخش نخست: آشنایی با ساختار دایرةالمعارف

در جلد نخست دایرةالمعارف جودائیکا (Index)، اطلاعات جامعی درباره شکل‌گیری این دایرةالمعارف، محتویات آن، چگونگی رجوع به مدخل‌های آن و نیز اطلاعات ضرور دیگر آمده است. در این جا، فشرده‌ای از این مطالب را مطرح می‌کنیم

پیشینه دایرةالمعارف نویسی یهودی

سابقه دایرةالمعارف نویسی یهودی، به معنای نوین آن، به سال‌های آغازین سده بیستم برمی‌گردد. نخستین اثر کامل در این زمینه، دایرةالمعارف یهودی (*Jewish Encyclopedia*) است که در آغاز این سده، در نیویورک، به زبان انگلیسی منتشر شد. (آخرین جلد این اثر، یعنی جلد دوازدهم، در سال ۱۹۰۶ انتشار یافت.) وضعیت جهان یهودیت و معارف یهودی در این اثر پیشگام گردآوری شد. با وجود این، برخی از جنبه‌ها در این اثر نادیده گرفته شد و یا کم‌اهمیت جلوه داده شد، مثل جهان یهودیت اروپای شرقی، قباله و حسیدیسم،^۱ زبان و ادبیات ییدیش،^۲ و زندگی و فرهنگ یهودیان در سرزمین‌های اسلامی. با این همه، این اثر یک دستاورد ماندگار و بی‌سابقه بود که از بسیاری از مدخل‌های آن در دایرةالمعارف‌های بعدی استفاده شده است.

دایرةالمعارف یهودی روسی *Yevreyskaya Entsiklopediya* نیز پیش از جنگ جهانی اول در شانزده جلد منتشر شد. این اثر دارای طرح و ویراست خوبی بود و به ویژه درباره موضوعات مربوط به یهودیت اروپای شرقی اطلاعات جالبی ارائه می‌کرد. دایرةالمعارف ده‌جلدی عبری اوّصریسرائل (*Ozār Yisrael*) در سال ۱۹۲۴ به دست جی. دی. آیزنشتاین^۳ منتشر شد. این اثر با این که محدودتر و کوچک‌تر از کارهای پیشین بود، در برخی حوزه‌ها اطلاعات مفیدی را در اختیار می‌نهاد.

پس از جنگ جهانی اول، به هنگام رواج دوباره تعالیم یهودی در آلمان، یاکوب کلاتزکین،^۴ ایسمار البوگن^۵ و ناحوم گلدمان^۶ دایرةالمعارف جدیدی به زبان آلمانی تدوین کردند. این اثر در پی آن بود که نتایج تحقیقات و رهیافت‌های عقلی دوره فترت و توقف

1. Ḥasidism

۲. ییدیش (Yiddish) زبان یهودیان اروپایی است که عمدتاً از آلمانی مشتق شده است.

3. J. D. Eisenstein

4. Jacob Klatzkin

5. Ismar Elbogen

6. Nahum Goldmann

را منعکس کرده، نواقص دایرةالمعارف یهودی را نیز برطرف کند. این اثر، که دایرةالمعارف جودائیکا نام گرفت، پیشرفت خوبی داشت، گرچه در زمان به قدرت رسیدن نازی‌ها در آلمان، با موانع و مشکلات روبه‌رو شد. ده‌جلد از این اثر (تا پایان حرف L) منتشر شد و پس از آن، انتشار این اثر مهم یهودی متوقف شد. دو جلد از ترجمهٔ عبری آن، به نام دایرةالمعارف اشکول (*Eschkol*)، نیز منتشر شد ولی ادامه نیافت. همچنین باید یاد کرد از اثر پنج‌جلدی فرهنگ یهودی (*Juedisches lexikon*) که در سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۰ به ویرایش جورج هرلیتس^۱ و برونوکرشنر^۲ منتشر شد. این اثر مختصر برای مطالعات یهودی مفید بود.

در سال‌های نخست جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۳)، دایرةالمعارف جامع یهودی (*Universal Jewish Encyclopedia*) به ویراستاری آیزاک لندمن^۳ در ده‌جلد در ایالات متحده منتشر شد. این اثر نشانهٔ اهمیت روزافزون یهودیت در آمریکا بود و به دستاوردهای غیریهودی، به ویژه در تاریخ یهودیت آمریکا، اهمیت می‌داد. این اثر مزایای خوبی داشت، ولی کاری بی‌عیب و نقص نبود. افزون بر این، در دوران تدوین آن، تغییرات مهمی رخ داد، و از این رو، از سودمندی آن کاسته شد. همین اثر، اساس یک دایرةالمعارف ده‌جلدی به زبان اسپانیولی به نام دایرةالمعارف یهودی کاستلانا (*Encyclopaedia Judaica Castellana*) قرار گرفت که در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۱ در مکزیکوسیتی به چاپ رسید. دستاورد عمدهٔ این اثر عبارت بود از مدخل‌های مربوط به رشد یهودیت در آمریکای لاتین.

پس از استقرار دولت اسرائیل، شرکت انتشاراتی مسادا،^۴ به سرپرستی خانوادهٔ پِلی،^۵ در اورشلیم به انتشار دایرةالمعارف هبرائیکا (*Encyclopaedia Hebraica*) به زبان عبری اقدام کرد. این اثر نخستین دایرةالمعارف عمومی و جامع به زبان عبری است و بر جنبه‌های مختلف یهودیت تأکید دارد.

گسترش دایرةالمعارف جودائیکا

به مدت چندین سال، به ویژه از زمان وقایع مهم و ناگهانی در تاریخ یهودیت در دههٔ

1. Georg Herlitz

2. Bruno Kirshner

3. Isaac Landman

4. Massada Publishing Company

5. Peli

۱۹۴۰، خلاص یک دایرةالمعارف یهودی کاملاً جدید، به ویژه به زبان انگلیسی برای یهودیان انگلیسی‌زبان، که تقریباً نیمی از یهودیان جهان را تشکیل می‌دادند، احساس می‌شد. وانگهی، حمله و فشار نازی‌ها بازماندگان گروه تدوین و ویرایش دایرةالمعارف جودائیکای آلمانی را نومید نکرد و ایشان مصمم بودند که کار ناتمام انتشار این اثر را به پایان رسانند. با این همه، ایشان می‌دانستند که در این دوران، فقط اندکی از یهودیان می‌توانند از یک اثر آلمانی استفاده کنند، و لذا ضرور دانستند که در این زمینه به تدوین اثری به زبان انگلیسی دست یازند. دکتر ناحوم گلدمان، آخرین بازمانده فعال گروه اصلی ویرایش دایرةالمعارف آلمانی، اشتیاق وافری به این کار داشت.

از این رو، در اواخر دهه ۱۹۵۰ دو طرح پیشنهاد شد: یکی تکمیل دایرةالمعارف جودائیکای پیشین، و دیگری، انتشار یک دایرةالمعارف جدید به زبان انگلیسی. این دو طرح سرانجام درهم ادغام شد. در عین حال، ناشران دایرةالمعارف هبرائیکا درصدد بودند که این اثر را به زبان انگلیسی عرضه کنند. مجموعه این تمایلات، باعث انتشار دایرةالمعارف جودائیکا به زبان انگلیسی شد.

در نخستین دوره کار، که در ایالات متحده انجام می‌شد، پرفسور بنتصیون نتانیا هو،^۱ ویراستار آن زمان دایرةالمعارف هبرائیکا، سمت سر ویراستاری را عهده‌دار شد. دفتر اصلی ویرایش در سال ۱۹۶۳ در فیلادلفیا دایر شد. در سال ۱۹۶۵، پرفسور نتانیا هو از این سمت کناره گرفت و متعاقب آن، مرکز ویراستاری به اورشلیم منتقل شد. اورشلیم در این زمان، مرکز بی‌رقیب مطالعات یهودی در جهان بود و بزرگ‌ترین محققان یهودی، از جمله پرفسور سسیل روث،^۲ سر ویراستار جدید این اثر، در این شهر اقامت داشتند.

در سال ۱۹۶۷، کار با جدیت آغاز شد و پنج سال برای تکمیل آن در نظر گرفته شد. برای این که کار در زمان مقرر به پایان برسد، بنا شد که تقسیمات هرچه جزئی‌تر شود تا ویراستاران و نویسندگان بیشتری به آن پردازند. محتوای دایرةالمعارف به بیست بخش اصلی و هر بخش نیز خود به بخش‌های فرعی‌ای تقسیم شد. برخی از بخش‌ها دو یا سه قسمت داشتند، ولی برخی دیگر دارای قسمت‌های بیشتری بودند؛ مثلاً بخش تاریخ ۳۵ قسمت داشت و بخش مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان دارای بیش از هفتاد قسمت بود.

دکتر گئوفری ویگودر^۱ به سمت جانشین سروراستار منصوب شد و هر دستیار ویراستاری چند بخش را سرپرستی می کرد. گروه ویراستاری عبارت بود از دستیاران ویراستار، یعنی پرفسور لوئیس رابینوویچ^۲، پرفسور رافائل پاسنر^۳، دکتر بنیامین الیوا^۴ و



پرفسور سسیل روٹ، سروراستار دایرةالمعارف در سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰.

سیمحا کتز^۵ به همراه سروراستار و جانشین او. پس از مرگ پرفسور روٹ در سال ۱۹۷۰، دکتر ویگودور سرپرست گروه ویراستاری شد و رابینوویچ و پاسنر معاون سروراستار شدند. سرپرست دایرة نیویورک دکتر فردریک لاکمن^۶ بود. گستره کار را این امر روشن می کند که به جز ۳۰۰ ویراستار و ۱۸۰۰

نویسنده، ۱۵۰ کارمند نیز به کار گماشته شدند، و تازه این پیش از مراحل چاپ و صحافی بود. همواره یافتن متخصصان مورد نیاز، کاری ساده نبود و در برخی موارد لازم بود که افرادی برای انجام کار تعلیم ببینند. کار چاپ زیر نظر بیتصحاق ریشین^۷، سرپرست شرکت انتشاراتی کیتیر^۸ و شرکت برنامه اسرائیل برای ترجمه های علمی^۹ بود.

قلمرو نوین دایرةالمعارف

به خاطر رویدادهای بی سابقه قرن بیستم، ممکن نیست که یک دایرةالمعارف یهودی فقط به روزآمد کردن دایرةالمعارف های پیشین بسنده کند. امروزه عرصه های سیاسی، فرهنگی، علمی و در واقع جهانی نوینی پدیدار شده است که کار جدیدی را می طلبد.

1. Geoffrey Wigoder

2. Louis Rabinowitz

3. Raphael Posner

4. Binyamin Eliva

5. Simha Katz

6. Fredrick Lackman

7. Yitzhak Rischin

8. Keter Publishing House Ltd.

9. Israel Program for Scientific Translations Ltd.

برخی از این حوزه‌ها بدین قرارند:

۱. رشد مطالعه و تحقیق: در زمان طرح‌ریزی دایرة‌المعارف یهودی، آنچه «دانش یهودیت» نامیده می‌شد، فقط سه‌ریع قرن سابقه فعالیت داشت. در طی سه ربع قرن پس از آن، تحقیقات متمرکز و فشرده‌ای در تمام شاخه‌های مطالعات یهودی انجام شد. در سال ۱۹۰۰ فقط سه مجله علمی یهودی وجود داشت؛ اکنون بسیار بیش از این مقدار فقط به زبان عبری منتشر می‌شود.

۲. اکتشافات نوین: گذشته از پیشرفت در زمینه تحقیقات، دستاوردهای نوینی نیز در زمینه مطالعات یهودی حاصل شد که برخی از آنها تاریخ‌ساز شدند. سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

الف) تا نیم قرن پیش، درباره تاریخ عبرانیان در دوران کتاب مقدس فقط چند سند اصیل شناخته شده بود؛ اما امروزه، در اثر کشفیاتی که در خاور میانه صورت گرفته، مجموعه چشمگیری از این اطلاعات در دسترس است.

ب) با کشف تومارهای بحرال‌میت^۱ و اسناد صحرای یهودیه^۲، از سال ۱۹۴۷ به بعد، مجموعه کاملی از آثار دینی و غیردینی اواخر دوره معبد دوم و دوره بعد در دسترس پژوهشگران قرار گرفت، و حال آن که پیش از آن، فقط یک سند اصلی وجود داشت. این کشفیات اوضاع آن دوره را بسیار روشن کرد و افزون بر این، دست‌نوشته‌هایی از کتاب مقدس را در اختیار نهاد که حدوداً هزار سال از نسخه‌هایی که پیش‌تر شناخته شده بودند، قدیم‌تر بودند.

ج) پیش از این کشفیات نیز، کشف اسناد گنیزه (گنجینه) قاهره^۳ به ویژه به دست سلیمان شختر^۴، تاریخ و ادبیات یهودیان در جهان اسلام در دوره گائونی^۵ را روشن کرده بود. همچنین تعداد بسیاری از متون و آثار اصلی که تا آن زمان ناشناخته بود، به دست نویسندگان مکتب یهودی - عربی^۶ عرضه شد. از این اصطلاحات عمدتاً در

1. Deed Sea Scrolls

2. Judean Desert

3. Cairo Genizah

4. Solomon Schechter

5. geonic period: گائون به معنای «عالیجناب» لقب دانشمندان یهود از پایان قرن ششم تا میانه قرن یازدهم میلادی است.

6. Judeo-Arabic school

دایرةالمعارف‌های پیشین یهودی استفاده شده بود، ولی تحقیقات بعدی درباره آن، می‌بایست در این زمان، در کتب مرجع یهودی می‌آمد.

۳. چشم‌اندازهای علمی نوین: چشم‌اندازهای تحقیقی به‌ناگزیر نسل به نسل تغییر می‌یابد. تا سه ربع قرن پیش، در تحقیقات جدی علمی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی چندان مهم تلقی نمی‌شد، اما امروزه این موضوع جایگاهی ویژه در تحقیقات تاریخی دارد. در طی بیست سال پیش از انتشار این اثر، مطالعه درباره یهودیت معاصر در مراکز تحقیقی گوناگون رشد و توسعه یافت و یافته‌های آن، که درک نوینی از جهان یهودیت به دست می‌داد، در این دایرةالمعارف گنجانده شده است. در اثر این مطالعات، اهمیت زیاد یهودیت اروپای شرقی در تاریخ یهودیت روشن‌تر شد و از این رو، به نحو جامع‌تری، هم در گستره و هم در عمق، بدان پرداخته شد. در دایرةالمعارف‌های پیشین به اوضاع یهودیان در سرزمین‌های اسلامی پس از قرون وسطا، کم‌تر توجه شده بود؛ در این اثر به این زمینه نیز پرداخته شد. اثر پرفسور گرشوم شولم^۱ چشم‌اندازهای جدیدی بر عرفان یهودی گشود. شریعت یهودی موضوعی مستقل تلقی شد. (این موضوع در دایرةالمعارف‌های پیشین، بخشی از تلمود یا ادبیات حاخامی^۲ بود.) در این اثر برای نخستین بار جنبه‌های قضایی شریعت یهودی تحلیل شده است. زمینه‌های دیگری که بدانها پرداخته شد، زبان و ادبیات ییدیش، هنر یهودی، موزه‌ها، هنرمندان، به همراه اطلاعات مکمل تصویری است.

۴. مناطق جدید: در آغاز قرن بیستم، یهودیان عمدتاً، مانند سده‌های پیشین، در اروپا و در حوزه دریای مدیترانه می‌زیستند. در ایالات متحده به‌تازگی جمعی یهودی گرد آمده بودند. امروزه نقشه جهان یهودیت بسیار تغییر یافته است. سه چهارم از یهودیان در مناطق دارای اهمیت زندگی می‌کنند. نیمی از یهودیان جهان اکنون در آمریکا و کشورهای انگلیسی‌زبان (کانادا، آفریقای جنوبی و استرالیا) متمرکزند. در کشورهای اسپانیولی و پرتغالی زبان آمریکای لاتین نیز یهودیان رشد فزاینده‌ای داشته‌اند. امروزه حکومت اسرائیل پایگاه مهم یهودیان است.

وقایع مهم قرن بیستم

در قرن بیستم، حوادث مهمی برای یهودیان پیش آمد که بر این قوم تأثیر بسیار گذاشت. این دایرةالمعارف به این امور اهتمامی خاص ورزیده است.

الف) ظهور ضدیت نژادپرستانه با یهود^۱ و هالاکاست (سوزاندن یهودیان در دوره نازی‌ها)^۲. در زمان نازی‌ها در آلمان یهودستیزی به اوج خود رسید. این رویداد موجب شد که اهمیت و تفوق یهودیت اروپایی به پایان برسد. این دایرةالمعارف به طور کامل به این موضوع پرداخته است: به جز مدخل هالاکاست (Holocaust) و مدخل‌های وابسته، در مدخل‌های دیگر مربوط به جوامع و کشورهایی که این رخداد در آنها اثر داشته است، نیز بخش‌های ویژه‌ای به این امر اختصاص یافته است.

ب) صهیونیسم. در قرن بیستم، جنبش صهیونیسم گسترش یافت و به استقرار دولت اسرائیل (در سرزمین فلسطین) در سال ۱۹۴۸ انجامید. این امر تأثیر مهمی بر یهودیت گذاشت و این دایرةالمعارف نیز در چارچوب چشم‌اندازهای این پیشامدها نگاشته شده است. صهیونیسم، در این اثر، محور زندگی و فعالیت‌های دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یهودیان است. برای مثال، در مدخل «اسرائیل» در هنگام بیان جغرافیا و تاریخ این دولت، و هنگام تأکید بر زبان و ادبیات نوین عبری، یا در مدخل‌های مربوط به شریعت و حقوق یهودی و اعمال آنها در دولت اسرائیل، این رویکرد مشخص است.

تصویرها

یکی از ویژگی‌های ممتاز این دایرةالمعارف، در مقایسه با دایرةالمعارف‌های پیشین، گزینش، تعداد و کیفیت اطلاعات تصویری آن است. برای این منظور، آرشیوی از ۲۵/۰۰۰ عکس گردآوری و از این میان، ۸۰۰۰ تصویر برای دایرةالمعارف انتخاب شده است. این تصاویر معمولاً تکمیل‌کننده اطلاعات مکتوب‌اند؛ به ویژه وجود چند صدعکس رنگی، موجب بازآفرینی روشن و دقیق بسیاری از شاهکارهای هنر یهودی شده است.

به نقشه‌ها، نمودارها و جدول‌ها توجهی خاص مبذول شده است. بسیاری از این

۱. racial anti-Semitism

۲. Holocaust

اطلاعات تصویری روشننگر اطلاعات مربوط به مدخل‌هایند، و نیز آمارها و اطلاعات تکمیلی را در اختیار می‌نهند. برای مثال، نقشه هر کشوری پراکندگی یهودیان را نشان می‌دهد، که اغلب هم درباره پیشینه تاریخی و هم مربوط به زمان حاضر است.

طراحی جلد دایرةالمعارف کاری است از طراح انگلیسی، ابرام جیمز،^۱ در شکل یک شمعدان (*menorah*)، که این آیه از کتاب اشعیا را به زبان عبری و انگلیسی دربردارد: «بیاید تا به کوه خداوند و به خانه خدای یعقوب برآییم تا طریق‌های خویش را به ما تعلیم دهد و به راه‌های وی سلوک نماییم؛ زیرا که شریعت از صهیون و کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد» (اشعیا، ۲: ۳). این آیه به نحوی روی جلد کتاب آمده است که سه کلمه «خداوند» (*Lord*)، «صهیون» (*Zion*)، و «اورشلیم» (*Jerusalem*) به گونه‌ای بارز در عطف کتاب جای گرفته است.

فهرست راهنما

یکی از ویژگی‌های مهم این دایرةالمعارف فهرست راهنمای مبسوط آن، با ویرایش پرفسور پاسنر است. با استفاده از این فهرست به راحتی می‌توان به هر مطلبی مراجعه کرد. این فهرست ۲۵/۰۰۰ موضوع را در اختیار خواننده می‌نهد، که به کمک آن می‌توان به حدود دویست هزار موضوع دست یافت، و خواننده درمی‌یابد که حتی در مورد عنوان‌هایی که مدخل مستقل ندارند، در کجا می‌تواند اطلاعات کسب کند. افزون بر این، خواننده می‌تواند تمام جنبه‌های یک موضوع را در دایرةالمعارف بیابد؛ برای مثال، اگر او در پی اطلاعاتی درباره ابن‌میمون است، نه تنها مدخل گسترده‌ای درباره وی خواهد یافت، بلکه در بیش از ده‌ها مدخل دیگر (مثل مدخل‌های مربوط به شریعت یهودی، فلسفه، پزشکی، ارسطو، ابن‌سینا) اطلاعات جامع و کامل‌تری درباره آثار و اندیشه ابن‌میمون در دسترس او خواهد بود.

به لحاظ اهمیت این فهرست و نقش کلیدی آن در یافتن مدخل‌ها و اطلاعات لازم، جلد اول دایرةالمعارف به آن اختصاص یافته است. تصاویر را نیز می‌توان با مراجعه به این فهرست یافت.

اصول گزینش مدخل‌ها

یکی از امور مشکل در تدوین دایرةالمعارف تصمیم در مورد این امر است که کدام مدخل در دایرةالمعارف گنجانده شود و کدام گنجانده نشود، و این مشکلی بود فراراه و براستاران این اثر.

در برخی مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه، در برخی موارد، مشکل این بود که چه کسی یهودی است. اصل نخستی که پذیرفته شد، این بود که هرکه یهودی متولد شده است، یهودی است، حتی اگر بعدها تغییر کیش داده باشد. اصل دوم این بود که شخصی را که والدین یهودی دارد، می‌توان به عنوان یهودی در دایرةالمعارف آورد.

برخی از غیریهودیان نیز موضوع مدخل‌ها قرار گرفتند، زیرا با فرهنگ یا زندگی یهودی ارتباط داشتند. برای پرهیز از اشتباه، در ابتدای مدخل پیش از نام آنان علامت^۱ آمده است.

نمونه‌هایی از مدخل‌هایی از این دست عبارت‌اند از: در زمینه تاریخ (اسکندر کبیر، ناپلئون، بالفور، استالین و...)، در زمینه فلسفه و اندیشه (ارسطو، ابن‌سینا، کانت و...)، در زمینه ادبیات (دانتی، شکسپیر، گوته و...). در این مدخل‌ها به آن جنبه این اشخاص که با زندگی و اندیشه یهودی مرتبط است، پرداخته شده است و خواننده برای دریافت اطلاعات کامل در جنبه‌های دیگر شخصیت ایشان، باید به دایرةالمعارف‌های عمومی مراجعه کند.

مدخل‌های فشرده

برای گسترده کردن حوزه مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه‌ها، در پی مدخل‌های اصلی در بسیاری از موضوعات، فهرستی از یهودیانی که در آن زمینه متمایزند، آمده است، مثل مدخل‌های هنر (Art)، پزشکی (Medicine) و... اگر افراد مذکور، خود موضوع مدخلی مستقل باشند، فقط نامشان به همراه ستاره (*) ذکر شده و در بقیه موارد، یک زندگی‌نامه فشرده، حاوی اطلاعات مهمی درباره شخص مورد اشاره، آمده است. هر زندگی‌نامه فشرده در فهرست راهنما یک مدخل دارد.

بخش کتاب مقدس

تدوین‌کنندگان دایرةالمعارف درباره بخش مربوط به کتاب مقدس (Bible) با مشکلات ویژه‌ای روبه‌رو بودند؛ چرا که در این زمینه دیدگاه‌های بسیار متفاوت و حتی کاملاً متضاد وجود داشت. تهیه‌کنندگان این اثر معتقد بودند که دایرةالمعارفی که برای انعکاس تمام جنبه‌های اطلاعات مربوط به فرهنگ یهودی طراحی شده است، باید در حوزه کتاب مقدس، تمام دیدگاه‌ها، از سنتی‌ترین تا انتقادی‌ترین آنها، را به خوانندگان عرضه کند. از این جهت، کوشیدند تا همه دیدگاه‌ها را در این باره بیاورند. یک مدخل ممکن است به سوی یک دیدگاه خاص گرایش داشته باشد، اما کل بخش مربوط به این حوزه، تلاشی است برای عرضه تمامی جنبه‌ها و دیدگاه‌ها.

مدخل‌های کتاب مقدس را دانشمندان ممتاز این رشته نوشته‌اند و تدوینگران این اثر معتقدند که از این جهت دارای جامعیت و گستردگی‌ای است که در هیچ دایرةالمعارفی، جز دایرةالمعارف‌های تخصصی کتاب مقدس، نمی‌توان نمونه‌اش را یافت. به همراه اطلاعات و رویکردهای سنتی، آخرین تحقیقات درباره خاورمیانه باستان و شیوه‌های زندگی و اندیشه و زبان این منطقه نیز آمده است.

ارجاعات و واژه‌نامه

برای این که از تکرارهای ناضرور در دایرةالمعارف پیش‌گیری شود، برای آن شیوه ارجاعات را در نظر گرفتند. ارجاع در این اثر به دو شیوه انجام شده است: نخست با بیان مستقیم: «بنگرید به...» (See...)، که به مدخل‌هایی اشاره دارد که مشتمل بر اطلاعات اضافی‌اند و مستقیماً به مدخل فوق مربوط‌اند؛ شیوه دوم استفاده از ستاره (*) است که در ضمن سخن، کنار واژه موردنظر قرار گرفته است. مثلاً اگر در عبارتی «ابراهیم* ابن‌عزرا» آمده باشد، نشان این است که اطلاعات بیشتر را باید در مدخل «ابن‌عزرا» پی گرفت.

در مواردی که به‌ناچار اسامی عبری و واژه‌های تخصصی آمده است، برای جلوگیری از پیچیده و دست و پاگیر شدن بحث، از شیوه ارجاع استفاده شده است. با این همه، یک واژه‌نامه از اصطلاحات عبری و نام‌های خاص مکرر در اول هر جلد آمده است.

آوانویسی

برای آوانویسی کلمه‌های عبری، یک شیوه ساده شده پذیرفته شد که در جلد نخست دایرةالمعارف (ص ۹۰) آمده است. در برخی موارد، چاره‌ای از عدول از این شیوه نبود؛ مثلاً در بخش‌های مربوط به زبان عبری و سامی، به نظر می‌رسید که شیوه ساده شده فوق کافی نباشد؛ از این رو، در این موارد از شیوه فرهنگستان زبان عبری^۱ استفاده شد که در جلد اول این اثر (ص ۹۰) ذکر شده است. با این همه، برای این که این کار به ناهمگونی در نام‌های خاص نینجامد، در این مدخل‌ها نیز برای نام‌ها از شیوه اصلی دایرةالمعارف استفاده شد.

افزون بر این، در بخش کتاب مقدس نیز، به لحاظ تفاوت‌های ظریفی که وجود داشت، تغییرات اندکی در آوانویسی انجام شد، که در جلد اول (ص ۹۰) بیان شده است. در مواردی چند، واژه‌های عبری، جزئی از زبان انگلیسی شده‌اند و املا و تلفظ آنها استاندارد شده است. در این موارد، این واژه‌ها را در این اثر انگلیسی شمرده‌اند و برای املا و تلفظ آنها از واژه‌نامه جدید بین‌المللی وبستر،^۲ ویراست سوم، استفاده شده است. آوانوشت زبان‌های دیگر، مثل عربی، بیدیش، یونانی و روسی نیز در جلد یکم این اثر (ص ۹۱-۹۲) آمده است.

در سبک نگارش نیز از واژه‌نامه بین‌المللی سوم وبستر برای املا و تلفظ واژگان استفاده شده است و فقط در تعدادی از واژه‌های یهودی و عبری خاص از این شیوه عدول شده است. واژه‌ها و عبارت‌های غیرانگلیسی ایتالیک شده‌اند.

کتاب‌شناسی

کتاب‌شناسی‌ای که در آخر هر مدخل آمده است، مکمل اطلاعات مربوط به موضوع است و خواننده می‌تواند برای تکمیل اطلاعات خویش به آنها رجوع کند. در کتاب‌شناسی، ترجیح با آثار انگلیسی است. همچنین در صورتی که اثری به انگلیسی ترجمه شده باشد، ترجمه انگلیسی ذکر شده است. با این همه، گاه به متن اصلی اشاره

1. Academy of the Hebrew Language

2. Webster's New International Dictionary

شده است (آنجا که ترجمه انگلیسی نارسا است). عموماً فقط مهم‌ترین آثار در کتاب‌شناسی آمده‌اند.

مدخل‌های راجع به زندگی‌نامه

عنوان مدخل‌های راجع به اشخاص، بر اساس نام مشهور آنان آمده است. نام‌های دیگر در پراکنش ذکر شده‌اند و تمام صورت‌های آن در فهرست راهنما آمده است. حتی الامکان مدخل‌ها تحت نام خانوادگی آمده‌اند.

اصطلاح‌شناسی ویژه

در این دایرةالمعارف، در برخی موارد اصطلاحات خاصی برای برخی مفاهیم در نظر گرفته شده است؛ مثلاً برای قتل عام یهودیان به دست نازی‌ها در سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ از واژه Holocaust استفاده شده است. (این واژه در لغت - در معنای عام با hi - به معنای همه‌سوزی یا قتل عام با حریق است و اصطلاحاً، با H، به سوزاندن یهودیان در دوره نازی‌ها اشاره می‌کند).

نمونه دیگر، استفاده از اصطلاح اِرتِص اسرائیل (*Erez Israel*) به جای فلسطین است. پدیدآورندگان دایرةالمعارف معتقدند که «فلسطین» واژه‌ای است که آن را حاکمان روم ابداع کرده‌اند، تا بدین وسیله ارتباط قوم یهود را با کشوری که پیش‌تر آن را یهودیه می‌نامیدند، قطع کنند. از این رو، در این دایرةالمعارف اصطلاح اِرتِص اسرائیل (در لغت به معنای سرزمین اسرائیل) به کار رفته است و از واژه «فلسطین» فقط در متونی خاص استفاده شده است (مثلاً در دوره اخیر حکومت رومیان و نیز دوره قیمومت بریتانیا که به این نام خوانده می‌شد). از سوی دیگر، واژه اسرائیل عموماً به مفهوم دولت جدید اسرائیل به کار رفته است.

نمونه دیگر این اصطلاح‌شناسی خاص، به کارگیری اصطلاح «تلمود اورشلیمی» به جای «تلمود فلسطینی» است؛ زیرا اگرچه اصطلاح دوم دقیق‌تر است (چون این اثر در اورشلیم نوشته یا گردآوری نشد)، اصطلاح نخست را بیانگر عنوان سنتی یهودی آن - تلمود یروشلمی (*Talmud Yerushalmi*) - دانستند.

نام مکان‌ها

در نگارش نام مکان‌ها از فرهنگ کلمبیا لیسینکات برای نام‌های جغرافیایی جهان استفاده شده است و در مورد جاهایی که نام‌های گوناگون ذکر شده، شکل راجع آن انتخاب شده است. نام مکان‌های مربوط به کتاب مقدس بر اساس کتب مقدس (بر اساس متون ماسوری؛ انجمن انتشاراتی یهودی آمریکا، ۱۹۵۵)^۲ انتخاب شده است. نام سایر مکان‌های اسرائیل بر اساس قاعدهٔ آوانویسی دایرةالمعارف نوشته شده است.

تاریخ‌ها

سال عبری در پاییز آغاز می‌شود، یعنی تقریباً سه ماه زودتر از سال گریگوری (که مبنای تقویم میلادی است). اگر سال عبری، بدون تاریخ دقیق ماه آن، مشخص باشد، در این جا، طبق حساب احتمالات، سال مورد نظر مطابق‌تُه ماه آخر آن به کار رفته و نه سه ماهه اول؛ مثلاً در دایرةالمعارف سال ۱۲۹۸ به کار رفته، نه ۱۲۹۷/۹۸. اما اگر تاریخ عبری به طور دقیق مشخص باشد، تاریخ میلادی به صورت دقیق به کار رفته است.

آمار

چنان که نویسندگان دایرةالمعارف مدعی‌اند، ایشان کوشیده‌اند که آمارها را - مثلاً تعداد یهودیان مناطق مختلف را - هرچه روزآمدتر شده و معتبرتر در تمام حوزه‌ها ارائه کنند. با این همه، به خاطر مشکلات خاص، تفاوت‌های گریزناپذیری رخ داده است.

تنظیم الفبایی

مدخل‌های دایرةالمعارف به گونه‌ای دقیق بر اساس الفبا تنظیم شده‌اند. معیار این تنظیم، حروف پیش از علائم نگارشی است (یعنی حروفی که پیش از ویرگول، نقطه و... هستند). در این معیار، خط‌تیره و فاصله علامت نگارشی شمرده نمی‌شوند و لذا مدخل‌ها بدون توجه به آنها تنظیم شده‌اند؛ مثلاً Ben-Gurion پس از Benghazi و پیش از Benjamin El Paso پس از Elephantine و پیش از Elul قرار گرفته است.

1. Columbia Lippincott Gazetteer of the World, (Columbia, University Press, 1966).

2. the Holy Scriptures (according to the Masoretic text; the Jewish Publication Society of America, 1955).

در تنظیم الفبایی، موارد زیر لحاظ نشده‌اند: حروف معرفه و نکره؛ عنوان‌های اشخاص، مثل «سِر» (Sir) و «بارون» (Baron)، به جز «سن» (Saint)؛ اطلاعات داخل پراتنز؛ عدد ترتیبی پادشاهان یا پاپ‌ها. اگر عناوین مدخل‌ها کاملاً یکسان باشد، ترتیب چنین است: مکان‌ها، اشخاص، اشیا. اگر نام اشخاص عیناً یکی باشد، آن که قدیمی‌تر است، زودتر می‌آید. آن جا که یک نام واحد، نام کوچک یک شخص و نام خانوادگی شخص دیگری است، مدخلی که مربوط به نام کوچک است مقدم می‌شود.

برای این که چگونگی تنظیم الفبایی این دایرةالمعارف روشن‌تر شود، نحوه ترتیب الفبایی نام ابراهیم (Abraham) را در این اثر ذکر می‌کنیم:

ABRAHAM	ABRAHAM JOSHUA...
(شیخ؛ حضرت ابراهیم)	ABRAHAM (ben Aaron) OF BAGHDAD
ABRAHAM (نام خانوادگی)	(کلمات داخل پراتنز لحاظ نشده است)
ABRAHAM, APOCALYPSE OF	ABRAHAM OF SARAGOSSA
(ویرگول باعث تقدم این مدخل برمدخل بعدی شده است)	ABRAHAMS
ABRAHAM MAX	ABRAHAMS, ISRAEL
ABRAHAM ABELE BEN...	ABRAHAMS, SIR LIONEL
(به خاطر نبود ویرگول یک واحد حساب شده است)	(لقب سر sir در این جا لحاظ نشده است)
ABRAHAM A SANCTA CLARA	ABRAHAMS, MOSES
ABRAHAM BAR HIYYA	ABRAHAM'S BOSOM
ABRAHAM BEN ALEXANDER	ABRAHAMSEN, DAVID
ABRAHAM HAYYIM BEN GEDALIAH	ABRAHAM ZEVI BEN ELEAZAR
ABRAHAMITES	

اطلاعات تکمیلی

روزبه روز اطلاعات جدیدی در اختیار بشر قرار می‌گیرد که باید به دایرةالمعارف‌هایی از این دست افزوده شود. چاپ روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مطالعات جدید، اطلاعاتی از این دست است. در این دایرةالمعارف اطلاعات تکمیلی زیر گنجانده شده است:

۱. اطلاعاتی که، به هر دلیل، به موقع برای چاپ در دایرةالمعارف آماده نبود؛ این اطلاعات در بخش خاص مدخل‌های الحاقی در آخر جلد شانزدهم به چاپ رسیده است. در صورت امکان، در جای مناسب در دایرةالمعارف به این اطلاعات اشاره شده

است، لکن این در همه موارد ممکن نبود، چون تا آخرین لحظه، آماده شدن این مدخل‌ها قطعی نبود. با این همه، تمام این مدخل‌ها را می‌توان در جلد یکم (فهرست راهنما) یافت.

۲. برخی از فهرست‌ها، نمودارها و نقشه‌های تکمیلی در جلد یکم آمده است (ص ۱۰۷ به بعد)، مثل صدسال تقویم یهودی از سال ۱۹۲۰ تا ۲۰۲۰؛ نموداری دربارهٔ حسیدیسیم از زمان بعل شیم‌طو تا عصر حاضر؛ فهرست مکان‌های اسرائیل؛ روزنامه‌ها و مجلات عبری؛ و تصاویری از هنر سفالگری در نزد یهودیان.

۳. جلد یکم همچنین دربردارندهٔ اطلاعات تکمیلی دیگری است، مثل تاریخ مرگ افرادی که پس از انتشار دایرةالمعارف در گذشتند، غلط‌های چاپی که پس از چاپ و پیش از انتشار کشف شد، و نیز عناوین تصویرها.

همچنین این جلد حاوی مطالبی از این دست است: گروه اصلی تحقیقات دایرةالمعارف، گروه ویراستاری، نام ویراستاران بخش‌ها و قسمت‌ها، فهرست کارکنان، مختصری دربارهٔ ویراستاران، کوتاه‌نوشت نام نویسندگان مدخل‌ها، کوتاه‌نوشت‌های عمومی، کوتاه‌نوشت‌های ادبیات حاخامی، کوتاه‌نوشت‌های کتاب‌شناختی و...

با این همه، برخی از مدخل‌ها نیز ممکن است درگذر زمان ناروآمد و مهجور شوند. سرعت رویدادها و رشد تحقیقات، تغییر و نوآوری را ضرور می‌کند. اطلاعات گنجانده شده در شانزده جلد اول دایرةالمعارف، وقایع را تا سال ۱۹۷۱ پی می‌گیرد. لازم بود که رویدادهای جدید نیز در این اثر بیاید. برای رفع این نقیصه، از سال ۱۹۷۳ چاپ کتاب سال دایرةالمعارف جودائیکا آغاز شد. این کار باعث می‌شد که اطلاعات دایرةالمعارف روزآمد و مفید باقی بماند و خوانندگان بتوانند تحولات جدید در جهان یهودیت و فرهنگ یهودی را پی بگیرند.

جلد هفدهم دایرةالمعارف محتوی اطلاعات بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ است. در این جلد آخرین اطلاعات دربارهٔ افراد زنده‌ای که زندگی‌نامه‌شان در جلدهای پیشین آمده است، خلاصه‌ای از وقایع جدید، آمارهای تازه و... آمده است.

پس از این، جلد دیگری از این دایرةالمعارف، با عنوان ده‌سال‌نامه، از ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳، به چاپ رسید که مکمل اطلاعات جلدهای پیشین است و اطلاعات این ده سال را ارائه می‌دهد. جلد هفدهم و کتاب ده‌سال‌نامهٔ جودائیکا خود فهرست راهنمای

مجازی دارند که در آن به مدخل‌های مندرج در جلد‌های پیشین ارجاع داده شده است. برای مثال، مدخل «ایران» که در جلد هشتم آمده است، وقایع ایران و یهودیان این کشور را تا سال ۱۹۷۱ / ۱۳۴۹ پی می‌گیرد. وقایع ده سال بعد، یعنی تا سال ۱۹۸۱ / ۱۳۵۹، در جلد هفدهم، با اشاره به مدخل ایران در جلد هشتم، آمده است و در جلد بعدی، یعنی ده سال‌نامه ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲، به وقایع تازه ایران، مثل جنگ ایران و عراق، اشاره شده است.

VOLUME I
INTRODUCTION · INDEX

ENCYCLOPAEDIA JUDAICA



ENCYCLOPAEDIA JUDAICA JERUSALEM

پدیدآورندگان دایرةالمعارف در پی آنند که این روند را ادامه دهند و ده سال‌نامه‌ها را در آینده نیز به چاپ رسانند.

امضا و نام نویسنده

در آخر هر مدخل، کوته‌نوشت نام نویسنده آمده است. اگر بخش‌های مختلف یک مدخل را نویسندگان مختلفی نوشته باشند، کوته‌نوشت نام هر کدام در آخر بخش مربوط آمده است. اگر دو نویسنده با هم یک مدخل را نوشته باشند، امضای هر دو در آخر می‌آید. مدخل‌هایی که به دست ویراستاران داخلی نوشته شده‌اند، عمدتاً با علامت [Ed.] مشخص شده‌اند. فهرست کوته‌نوشت نام‌های نویسندگان در جلد یکم آمده است. در این دایرةالمعارف از مدخل‌های دو دایرةالمعارف دیگر، یعنی دایرةالمعارف جودائیکای آلمانی و دایرةالمعارف هبرائیکای نیز استفاده شده است. اگر نویسندگان آن مدخل‌ها زنده بوده‌اند، نسخه انگلیسی مدخل برای آنان ارسال شده است تا آن را تأیید کنند و در صورت موافقت، مدخل به نام آنان چاپ شده است. برخی مدخل‌ها صرفاً با علامت [EJ] (دایرةالمعارف جودائیکای آلمانی) و [EH] (دایرةالمعارف هبرائیکای) آمده‌اند تا نشان دهد که از این دو منبع گرفته شده‌اند. اگر نویسندگان مدخل‌های دو منبع فوق زنده نبودند و نسخه انگلیسی نیاز به ویرایش بیشتر یا روزآمد کردن داشت، نام نویسنده

همراه با [Ed.] آمده است تا مشخص کند که برخی تغییرات ویرایشی در مدخل اعمال شده است. اگر تغییرات ویرایش بنیادی بوده است، مدخل‌ها چنین امضا شده‌اند: [EJ/Ed.] یا [EH/Ed.]

بخش‌های اصلی دایرةالمعارف

چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، تدوین‌کنندگان این دایرةالمعارف، این اثر را به چندین بخش تقسیم کردند که هر بخش را یک سرویراستار سرپرستی می‌کرد. هر بخش دارای چندین قسمت و هر قسمت دارای ویراستاری خاص بود.

ملاک تقسیم‌بندی به بخش‌ها، اهمیت آنها در زمینه فرهنگ و زندگی یهودی است. از این رو، مثلاً کانادا یا هالاکاست به لحاظ اهمیتشان در سرنوشت یهودیت بخش مجزایی شمرده شده‌اند. بخش‌های اصلی دایرةالمعارف از این قرارند:

آمریکا (Americana)؛ کتاب مقدس (Bible)؛ کانادا (Canada)؛ یهودیت معاصر (Contemporary Jewry)؛ سرزمین اسرائیل (Erez Israel)؛ سرزمین جدید اسرائیل (Modern Erez Israel)؛ زبان‌های عبری و سامی (Hebrew and Semitic Languages)؛ تاریخ (History)؛ مناطق (Regions)؛ هالاکاست (the Holocaust)؛ شریعت یهودی (Jewish Law)؛ یهودیت (Judaism)؛ ادبیات (Literature)؛ تحقیقات نوین یهودی (Modern Jewish Scholarship)؛ فلسفه یهودی (Philosophy, Jewish)؛ دوره معبد دوم (Second Temple Period)؛ تلمود (Talmud)؛ صهیونیسم (Zionism)؛ مشارکت یهودیان در فرهنگ جهان (the Participation of Jews in World Culture).

بخش دوم: آشنایی با مدخل‌ها

چنان‌که اشاره شد، این دایرةالمعارف دارای حدود ۲۵/۰۰۰ مدخل است. برای آشنایی خوانندگان محترم با محتوای مدخل‌ها، بر آن شدیم تا برخی از مدخل‌هایی را که در آنها مباحث اسلامی یا ایرانی مطرح شده است، ذکر کرده، خلاصه‌ای از دیدگاه نویسندگان دایرةالمعارف را در این باره بیاوریم. روشن است که چون نویسندگان این دایرةالمعارف، همه، یهودی‌اند و این دایرةالمعارف نیز اثری در خدمت یهودیت است، نمی‌توان انتظار داشت که با بی‌طرفی کامل به مباحث اسلامی، و نیز دیگر مباحث، پرداخته باشند.

نکته دیگر این‌که، تمام آنچه در ذیل مدخل‌ها، در این نوشته، آمده، دیدگاه نویسندگان دایرةالمعارف است. پاورقی‌ها از نویسنده این مقاله است. برای آشنایی خوانندگان با درجه دقت و نکته‌سنجی و نیز مقدار بی طرفی و انصاف پدیدآورندگان این اثر یهودی مدخل‌هایی را در چند موضوع مطرح می‌کنیم.

الف) شخصیت‌های مشترک در یهودیت و اسلام

بسیاری از پیامبران، پادشاهان و شخصیت‌های تاریخی که در یهودیت (به ویژه در کتاب مقدس) مطرح شده‌اند، در اسلام (به ویژه در قرآن) نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند. نویسندگان دایرةالمعارف در مدخل‌های راجع به این شخصیت‌ها، پس از معرفی ایشان از دیدگاه یهودیت، به دیدگاه اسلامی درباره ایشان نیز می‌پردازند.

در مباحث اسلامی ابتدا موضع قرآن مطرح می‌شود و سپس روایات و تفاسیر اسلامی بررسی می‌شوند و در آخر معمولاً دیدگاه انتقادی، با هدف اثبات این که این اطلاعات دارای منبع یهودی (یا مسیحی) است، آمده است.

گاه نیز نویسندگان با بیان قرائن و شواهد در پی آنند که بیان کنند برخی از این شخصیت‌ها دارای نقش و سهمی پنداشته شده‌اند که به زعم ایشان، در اصل آن را نداشته‌اند، چنان که در داستان ابراهیم و قربانی کردن اسماعیل و نیز بنای کعبه این مسئله بارز است. افزون بر این، در بیشتر این مدخل‌ها، نویسندگان در پی اثبات این امرند که آشنایی حضرت محمد(ص) با این شخصیت‌ها تدریجی بوده است و در زمان اقامت وی در مدینه، و برخورد با یهودیان، اطلاعات وی تکمیل شده است.

و آخر این که شماره‌های آیات ذکر شده، در بسیاری از موارد نامنطبق یا نادرست است که در این متن، شماره‌های درست را ذکر کرده‌ایم.

هارون AARON (۲: ۴-۹؛ در اسلام: ۸)

در قرآن آمده است که موسی و هارون، پس از رهایی از اسارت مصریان، در پیشاپیش قوم ظاهر شده، بدیشان کتاب عطا می‌شود (صافات [۳۷]: ۱۱۴-۱۲۰). موسی از خدا درخواست می‌کند که برادرش هارون یاری‌دهنده (و وزیر) وی باشد (طه [۲۰]: ۲۹-۳۰؛ و نیز رک: فرقان [۲۵]: ۳۵).

در سوره شعراء [۲۶]، آیه ۱۳ موسی اظهار می‌دارد که می‌ترسد سینه‌اش تنگ گردد و زبان‌ش باز نشود [و می‌گوید: پس رسالت را به سوی هارون بفرست]. و سرانجام در سوره قصص [۲۸]، آیه ۳۴ موسی به خدا خطاب می‌کند که: «برادرم هارون از من زبان‌آورتر است؛ پس او را با من به دستیاری گسیل کن».^۱

همان‌گونه که در میدراش^۲ به شیوه‌های گوناگون کوشش می‌شود که هارون از هرگونه بزهی در داستان گوساله‌طلائی مبرا و بی‌گناه قلمداد شود،^۳ در گزارش قرآن از این واقعه نیز وی نقش ناظر و مدیر^۴ را دارد، نه نقش شریک اصلی را، و قرآن ساخت گوساله‌طلائی را به سامری (شاید به معنای یکی از اهالی سامره) نسبت می‌دهد (طه [۲۰]):

۹۵-۹۷).

در ادبیات اسلامی پس از قرآن، به صورت‌های گوناگون، بیان می‌شود که چگونه موسی برای بنی اسرائیل توضیح می‌دهد که وی برادرش را، چنان که ایشان پنداشته‌اند، نکشته است، بلکه وی به مرگ طبیعی مرده است.

در قرآن، مریم مادر عیسی در دوران حاملگی^۵ «خواهر هارون» خوانده شده است (مریم [۱۹]: ۲۸-۳۰؛ رک: خروج، ۱۵: ۲۰)؛ و برخی نویسندگان مثل اسپیر^۶ کوشیده‌اند که این را توضیح دهند. در قرآن به این مطلب که هارون پدر خاندان کاهنی است، اشاره نشده است. دو قبیله عمده یهودی ساکن مدینه، یعنی بنی قریظه و بنی نظیر، الکاھنان (یعنی دو خاندان کاهنی) نامیده می‌شدند. آن‌گاه که یکی از زنان پیامبر اسلام به صفیه، همسر [سابقاً] یهودی پیامبر اهانت و هتاکی کرد، پیامبر به صفیه گفت که به او این جواب دندان‌شکن را بده که: «پدرم هارون و عمویم موسی بود».

ابراهیم ABRAHAM (۲: ۱۱۱-۱۲۵؛ در سنت اسلامی: ۱۱۹-۱۲۱)

به «صحف ابراهیم»، در کنار صحف موسی، در دو سوره مکی قرآن اشاره شده است

۱. در ترجمه آیات، در این نوشته، از ترجمه محمد مهدی فولادوند استفاده شده است.

۲. midraš

۳. در کتاب مقدس، ساخت گوساله به هارون منتسب است (سفر خروج، ۳۲: ۵).

۴. administrator

۵. تعبیر قرآن مربوط به پس از تولد عیسی است.

۶. Speyer

(اعلیٰ [۸۷]: ۱۹؛ نجم [۵۳]: ۳۷). این امر حاکی از آن است که پیامبر اسلام ابراهیم را یکی از پدران عقیده توحیدی می دانست؛ لکن (به اعتقاد یهودیان) ابراهیم کتابی نداشت.

بخش بزرگی از داستان پیامبران در قرآن به ابراهیم اختصاص یافته است و این، به پندار نگارنده مدخل فوق، عمدتاً بر اساس اطلاعاتی است که از داستانهای تلمود اخذ شده است.

به گفته قرآن، ابراهیم، با برهان خویش، تصدیق می کرد که خالق خدا است، نه ستاره درخشان یا ماه یا خورشید. وی بت‌های پدرش را شکست، در آتش افکنده شد، معجزه آسا نجات یافت و به سرزمین مقدس کوچید. گرچه مدت‌ها بی‌فرزند بود، به وعده خدا، که به او پسری خواهد داد، باور داشت و چون پسر به دنیا آمد، وی آماده شد تا به دستور خدا او را قربانی کند. اسماعیل، که در سوره‌های مدنی قرآن بسیار پر آوازه است، در سوره‌های مکی در ارتباط با پدرش ابراهیم مطرح نمی‌شود؛ مثلاً در سوره عنکبوت [۲۹] آیه ۲۷ آمده است که: «و اسحاق و یعقوب را به او [ابراهیم] عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم». همچنین «وی [ساره] را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم» (هود [۱۱]: ۷۱؛ همانند این بیان در صافات [۳۷]: ۱۱۲-۱۱۳ و انبیاء [۲۱]: ۷۲ نیز آمده است). به گمان نویسنده مدخل، در این دوره، اسماعیل به تنهایی در داستانی مطرح نشده است، بلکه فقط نامی است در میان مجموعه‌ای از نام‌های پیامبران و اولیا، همراه با برخی شخصیت‌های کتاب مقدس مثل هارون، ایوب و الیسع، یعنی در میان نام افرادی که از زمان ابراهیم بسیار فاصله داشته‌اند. به پندار نگارنده، همان‌گونه که در آغاز بین ابراهیم و اسماعیل ارتباطی نیست، بین ابراهیم و ساختن کعبه نیز، تا دوره اخیر پیامبری حضرت محمد، ارتباطی نیست (رک: بقره [۲]: ۱۲۴ به بعد)، و بی‌گمان، وی روایت کتاب یوبیل‌ها^۱ (۲۲: ۲۳-۲۴) را که ابراهیم را بنیان‌گذار معبد اورشلیم دانسته، شنیده است. داستان به کتاب دوم تواریخ ایام (۱: ۳) برمی‌گردد که می‌گوید سلیمان معبد را بر کوه موریاساخت که بنا بود ابراهیم بر روی آن اسحاق را قربانی کند (پیدایش، ۲: ۲۲).

خود واژه «اسلام» و مضمون آن، یعنی تسلیم کامل به خدا، با داستان ابراهیم مرتبط

است؛ نمونه آن سوره بقره [۲]، آیه ۱۳۱ است: «هنگامی که پروردگارش به او [ابراهیم] فرمود: تسلیم شو، گفت: به پروردگار جهانیان تسلیم شدم». نمونه دیگر سوره حج [۲۲]، آیه ۷۸ است: «آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است]. او بود که قبلاً شما را مسلمان [یعنی تسلیم در برابر خدا] نامید». ریشه این بیان نیز در یکی از توگوم^۱ (ترجمه)های سفر پیدایش (۱:۱۷) است که خدا ابراهیم را موعظه می‌کند که شلیم (*Shelim*) باشد.

در قرآن با تأکید آمده است که ابراهیم نه یهودی و نه مسیحی بود (بقره [۲]: ۱۴۰، ۱۳۵؛ آل عمران [۳]: ۶۷)؛ این بیان برعکس اعتقاد اصلی حضرت محمد [ص] در مورد جهانی بودن دین اسلام، این دین را دین ابراهیم، پدر عرب‌ها، انحصاری، «بهترین دین» (آل عمران [۳]: ۱۱۰، ۱۰۶) و والاتر از ادیان دیگر معرفی کرد.

آدم ADAM (۲: ۲۳۴-۲۴۵؛ در اسلام: ۲۴۱-۲۴۲)

قرآن بیش از کتاب مقدس به آدم توجه کرده است. خدا آدم را خلق کرد تا خلیفه او بر زمین شود (بقره [۲]: ۳۰)؛ با او پیمان بست (طه [۲۰]: ۱۱۵). فرشتگان ترسیدند که آدم بر روی زمین فتنه کند. خدا به آدم اسما را آموخت و از فرشتگان خواست تا به آدم سجده کنند. ابلیس سرپیچی کرد. خدا ابلیس را از بهشت راند. آدم و حوا از خوردن میوه درختی منع شدند، اما شیطان در گوش ایشان وسوسه کرد که خدا شما را از این درخت بازداشت، تا مبادا چون فرشتگان جاودانه شوید (اعراف [۷]: ۲۰). ایشان از میوه آن درخت خوردند و از برهنگی خویش آگاه شدند و خود را با برگ درختان پوشاندند. خدا گفت که بین آدم و شیطان دشمنی ابدی خواهد بود. سپس آدم از گناهش توبه کرد.

نویسنده این مدخل در ادامه این ادعا را مطرح می‌کند که برخی از بخش‌های داستان آدم در قرآن، برگرفته از یک آگادای قدیمی است (سنهدرین، ۳۸ الف - ب). وی احتمال می‌دهد که قرار گرفتن شیطان به جای مار^۲ متأثر از مسیحیان باشد.

در ادامه آمده است که مفسران و نویسندگان بعدی مسلمانان، این داستان قرآن را با استفاده از کتاب مقدس، آگادا و تخیلات خویش تکمیل کردند. در آخر، برخی از این امور بیان شده است.

1. Targum Onkelos

۲. در گزارش تورات، مار حوا را وسوسه کرد (پیدایش، ۳: ۵-۱).

داوود DAVID (۵: ۱۳۱۸-۱۳۳۴؛ در اسلام: ۱۳۳۲)

داوود برای اعراب دوران جاهلیت شخصیتی آشنا بود و در اشعارشان وی را مخترع زره می دانستند. همچنین از ارتباط وی با زبور (مزامیر) آگاه بودند. قرآن نیز بیان می دارد که خدا به داوود فن زره سازی را آموخت (انبیاء [۲۱]: ۸۰)؛ همچنین آهن را در دستان او نرم می کرد (سبأ [۳۴]: ۱۰). خدا زبور را به داوود عطا کرد (اسراء [۱۷]: ۵۵).

چیرگی داوود بر جالوت در سوره بقره [۲]، آیه ۲۵۱ ذکر شده است. خدا داوود را خلیفه خود در زمین کرد تا میان مردم به حق و عدالت داوری کند (ص [۳۸]: ۲۶).

در آیات پیش از آیه فوق (آیات ۲۲ تا ۲۵) داستان برادری که ۹۹ گوسفند دارد و می خواهد تنها گوسفند برادر خود را بگیرد، آمده است. نویسنده می گوید این احتمالاً اشاره ای است به داستان اوریای جتی و مثلی که ناتان نبی برای داوود بیان کرد (رک: دوم سموئیل، ۱۱-۱۲).

در سوره مائده [۵]، آیه ۷۸ آمده است که داوود و عیسی برخی از بنی اسرائیل را به خاطر تجاوز از فرمان خدا لعنت کردند. نویسنده مدخل می گوید: آوردن نام داوود به همراه عیسی شاید بیانگر این باشد که پیامبر اسلام این نکته را از مسیحیان گرفته است.

اسحاق ISAAC (۹: ۱-۷؛ در اسلام: ۶)

در قرآن، اسحاق و یعقوب پیامبران و مردان درستکار معرفی شده اند (مریم [۱۹]: ۴۹-۵۰؛ انبیاء [۲۱]: ۷۲-۷۳؛ انعام [۶]: ۸۴). در سوره صافات [۳۷]، آیات ۹۹ تا ۱۱۰، که داستان رؤیای ابراهیم و قربانی آمده است، نام پسری که باید قربانی می شد ذکر نشده است؛ اما طبری در تاریخ خود حدیثی را نقل کرده مبنی بر این که پیامبر خود اعلام کرد که مقصود اسحاق است.

نویسنده همین نظر را به علی بن ابی طالب (ع)، عمرین الخطاب و جمعی از تابعین نسبت می دهد.

یعقوب JACOB (۹: ۱۱۹۱-۱۲۰۶؛ در اسلام: ۱۲۰۱-۱۲۰۲)

نویسنده این مدخل از آیه ۷۱ سوره هود [۱۱] که بیان می دارد: «پس وی [ساره] را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مزده دادیم»، چنین استفاده می کند که پیامبر اسلام

دقیقاً نمی دانسته است که یعقوب پسر اسحاق بوده یا برادر وی؛ از این رو از یک بیان مبهم استفاده کرده است. از زمانی که وی به مدینه رفت، این نکته برایش آشکار شد که پدران یعقوب، ابراهیم و اسحاق و اسماعیل بودند و وی پدر اسباط بود (بقره [۲]: ۱۳۳-۱۳۴).

ایوب JOB (۱۰: ۱۱۱-۱۲۹؛ در اسلام: ۱۲۵)

ایوب در چند سوره قرآن بنده خدا و کسی که سختی‌ها را تحمل کرد، معرفی شده است (نساء [۴]: ۱۶۳؛ انبیاء [۲۱]: ۸۳-۸۴؛ ص [۳۸]: ۴۱-۴۴). خدا پس از این مشقات، تمام آنچه را وی از دست داده بود، به وی بازگرداند. به بیان نویسنده مدخل، گرچه قرآن به اختصار به داستان ایوب پرداخته، این داستان در ادبیات اسلامی پس از قرآن، تحت تأثیر کتاب مقدس و میدراش‌ها، گسترش یافته است.

یوسف JOSEPH (۱۰: ۲۰۲-۲۱۷؛ در اسلام: ۲۱۲-۲۱۳)

یوسف یکی از محبوب‌ترین شخصیت‌ها نزد پیامبر اسلام است. یک سوره [سوره ۱۲] به نام وی نامگذاری شده، که به روایت قرآن «احسن القصص» است (در ۱۱۱ آیه). داستان با این اخطار یعقوب به یوسف آغاز می‌شود که: از گفتن رؤیایت به برادران بپرهیز. در ادامه مدخل به بقیه داستان یوسف، از دیدگاه قرآن، اشاره شده است. در ادبیات اسلامی پس از قرآن، داستان یوسف و زلیخا گسترش یافته و در نثر و شعر عربی و فارسی دارای رنگ و بوی رومانتیک شده است.

موسی MOSES (۱۲: ۳۷۱-۴۱۱؛ در اسلام: ۴۰۲-۴۰۴)

شخصیت و کردار موسی جایگاهی والا در قرآن دارد. وقایع زندگی وی از لحظه تولد به تفصیل در قرآن آمده است. در حقیقت، نوح، ابراهیم و موسی نخستین مؤمنان‌اند و موسی آمدن پیامبر اسلام را پیش‌گویی می‌کند (اعراف [۷]: ۱۴۳، ۱۵۷).

در پی حکم فرعون و مشاورانش، هامان و قارون، زندگی موسی به خطر می‌افتد و وی را به آب می‌افکنند و آسیه، همسر فرعون، او را از آب می‌گیرد (شعراء [۲۶]: ۱۸؛

۱. در متن پس از کلمه همسر علامت تعجب (!) قرار دارد. در کتاب مقدس این عمل به دختر فرعون منتسب است. در قرآن

قصص [۲۸]: ۷-۱۱). در آیه ۲۷ سوره قصص [۲۸] به کار کردن موسی برای شعیب و ازدواج با دختر او اشاره شده است (همین داستان در کتاب مقدس درباره یعقوب و کار وی برای لابان آمده است).^۱

نویسنده مدخل فوق، موارد زیر را مطابق اگادامی دادند: موسی شیر زنان مصری را نخورد (قصص [۲۸]: ۱۲)؛ مردی مؤمن از خاندان فرعون در نجات موسی کوشید (مؤمن [۴۰]: ۲۸)؛ خداکوه را بر سر قوم اسرائیل افراشت تا تورات را بپذیرند (بقره [۲]: ۶۳، ۹۳؛ اعراف [۷]: ۱۷۱)؛ همچنین داستان قارون و بسیاری از موارد دیگر.

افزون بر این، برخی از شخصیت‌های قرآن در ادبیات قدیمی یهودی ناشناخته‌اند، مثل سامری که گوساله طلایی را می‌سازد؛^۲ و مسافرت موسی و خادمش به اقصا نقاط جهان (کهف [۱۸]: ۶۰-۸۲).^۳

در قرآن، از عمران (عمرام) پدر موسی و هارون نامی به میان نیامده است و عمران، که در قرآن آمده (سوره آل عمران [۳])، اشاره است به پدر مریم، مادر عیسی.

در ادامه این مدخل، به داستان کودکی موسی در روایات اسلامی و نیز مسافرت موسی (کهف [۱۸]: ۶۰-۸۲) پرداخته شده است. نویسنده پس از نقل خلاصه داستان اشاره می‌کند که چون این داستان در وقایع مربوط به موسی (در تورات) نیامده، برخی از مفسران اسلامی، گفته‌اند که این موسی، موسای دیگری است. برخی دیگر او را همان موسای پیامبر و جوان همراه وی را یوشع بن نون دانسته‌اند و گفته‌اند که نام پیامبری که موسی با وی همراه شد «خضر» بوده است.

نوح NOAH (۱۲: ۱۱۹۱-۱۱۹۸؛ در اسلام: ۱۱۹۵)

نوح یکی از شخصیت‌های مورد توجه پیامبر اسلام است. یک سوره قرآن (سوره ۷۱) به نام نوح نامگذاری شده است. به روایت قرآن، نوح می‌کوشد که قومش را به توبه وادارد، اما ایشان نمی‌شنوند (اعراف [۷]: ۵۹-۶۴). به نوح وحی می‌شود که کشتی بسازد (هود [۱۱]: ۳۷ و...). در ادامه مدخل، بقیه داستان نوح در قرآن و روایات اسلامی مطرح شده است.

→ آمده است که آل فرعون موسی را از آب گرفت، و به همسر وی اشاره نشده است.

۱. پیدایش، ۲۸. ۲. مطابق تورات، هارون برادر موسی این گوساله را می‌سازد.

۳. مراد داستان همراهی موسی با خضر است. در ابتدای آیات از مردی «جوان» که همراه موسی بوده است یاد می‌شود.

سلیمان SOLOMON (۱۵: ۹۶-۱۱۱؛ در اسلام: ۱۰۸)

در قرآن، سلیمان نه فقط وارث داوود (نمل [۲۷]: ۱۶)، که بنده مومن خداست (ص [۳۸]: ۳۰). وی حتی لحظه‌ای از یاد خدا غافل نمی‌شود؛ شیطان‌ها به کفر گراییدند و به مردم سحر آموختند و بدین طریق ایشان را از پرستش خدا بازداشتند، اما سلیمان چنین نکرد (بقره [۲]: ۱۰۲). چون اسب‌های محبوبش وی را از یاد خدا غافل کردند، آنها را کشت (ص [۳۸]: ۳۱-۳۳).^۱

به سلیمان پادشاهی بی نظیر عطا شد (ص [۳۸]: ۳۵) و حکمت و زبان پرندگان به او داده شد (نمل [۲۷]: ۱۵، ۱۹؛ لقمان [۳۱]: ۱۲).

نویسنده می‌افزاید: همانند داستان‌های آگادا، ریشه برخی از این داستان‌ها در پارس است و مفسران اسلامی جایگاهی ویژه برای خصوصیات، تولد، حکمت و داوری سلیمان قائل شدند.

بلعم (بلعام) BALAAM (۴: ۱۲۰-۱۲۵؛ در اسلام: ۱۲۴)

نام بلعم در قرآن نیامده است و مشخص نیست که واقعاً مقصود قرآن در سوره اعراف [۷]، آیه ۱۷۵ و ۱۷۶ بلعم باشد. در این آیات آمده است: «و خبر آن کسی که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت؛ آن‌گاه شیطان او را دنبال کرد و از گمراهان شد... او به زمین گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد.»

عقیده بیشتر مفسران و مورخان این است که شخصیت مورد نظر در آیات فوق، همان بلعام است که در کتاب مقدس (اعداد، ۲۲-۲۴) به وی اشاره شده است؛ اما برخی از مفسران، شخص مورد نظر قرآن را امیه بن ابی الصلت می‌دانند.

شخصیت‌های دیگری که در کتاب مقدس و متون اسلامی (به ویژه قرآن) آمده‌اند و در دایرةالمعارف به دیدگاه اسلام درباره ایشان پرداخته شده، بدین قرارند:

بنیامین (Benjamin)؛ هابیل و قابیل (Cain and Abel)؛ کنعان (Canaan)؛ دانیال (Daniel)؛ الیاس (Elijah)؛ الیسع (Elisha)؛ ادریس (Enoch)؛ حوا (Eve)؛ حزقیل

۱. ترجمه آیه‌های فوق چنین است: «سلیمان] گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد.» [گفت: «اسب‌ها] را نزد من بازآرید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا].» ۲. این آیه درباره لقمان است.

(حزقیال: Ezekiel)؛ عَزیر (عزرا: Ezra)؛ یا جوج و ماجوج (Gog and Magog)؛ جالوت (Goliath)؛ هامان (Haman)؛ اشعیا (Isaiah)؛ ارمیا (Jeremiah)؛ یونس (Jonah)؛ یوشع (Joshua)؛ قارون (Korah)؛ لوط (Lot)؛ مریم (Miriam)؛ بختنصر (Nebuchadnezzar)؛ نمرود (Nimrod)؛ فرعون (Pharaoh)؛ عزیز مصر (Potiphar)؛ بلقیس (Queen of Sheba)؛ سموئیل (Samuel)؛ طالوت (Saul)؛ شیث (Seth)؛ آزر (Terah).

ب) مفاهیم اسلامی

عنوان برخی از مدخل‌ها واژه‌ها و اصطلاحات اسلامی است. در این مدخل‌ها نیز از زاویه‌ای به این مفاهیم نگاه شده که با یهودیت و یهودیان مرتبط است. برخی از این مدخل‌ها را به اجمال بررسی می‌کنیم.

اهل کتاب AHL AL-KITĀB (۲: ۴۶۷-۴۶۸)

یهودیان، مسیحیان و صابئین در قرآن اهل کتاب نامیده شده‌اند (آل عمران [۳]: ۱۱۰؛ نساء [۴]: ۱۵۲ و...)؛ چرا که کتابی مقدس حاوی وحی خدا داشته‌اند. قرآن به زبور داوود (از ریشه میزمور *mismor*) اشاره می‌کند (اسراء [۱۷]: ۵۵). همچنین به تورات اشاره می‌کند (آل عمران [۳]: ۴۸؛ فتح [۴۸]: ۲۹). به گفته قرآن، تورات آمدن پیامبر اسلام را پیش‌گویی کرده است (اعراف [۷]: ۱۵۷). نام انجیل نیز در قرآن آمده است (مائده [۵]: ۴۷). قرآن گرچه سه بار نام صابئین را ذکر کرده (آل عمران [۳]: ۶۲؛ مائده [۵]: ۶۹؛ حج [۲۲]: ۱۷)، کتابی برای ایشان نام نبرده است.

ذمی، ذمه DHIMMA, DHIMMI (۵: ۱۶۰۴-۱۶۰۶)

در اسلام وضعیت حقوقی اهل کتاب را ذمه گویند. این یک تعهد دوجانبه است: حاکم اسلامی تعهد می‌کند که جان و مال اهل ذمه را حفظ کند؛ آنان را از خدمت سربازی معاف کند؛ و آزادی دینی ایشان را، گرچه با محدودیت‌هایی، تضمین کند. از سوی دیگر، اهل ذمه مکلف به پرداخت جزیه‌اند؛ نباید به اسلام توهین کنند؛ نباید مسلمانان را به دین خود در آورند؛ نباید کلیسا یا کنیسه جدید بسازند؛ و نباید با تباری با دشمنان، به حکومت اسلامی خیانت کنند. ایشان باید با کارهایی چون پل‌سازی و راهنمایی به ارتش اسلام یاری دهند. همچنین باید با پوشیدن لباسی خاص، خود را متمایز گردانند.

روز واپسین ESCHATOLOGY (۶: ۸۶۰-۸۸۶؛ در اسلام: ۸۸۳-۸۸۵)

حضرت محمد [ص] نسبت به وقایع آخرالزمان شیفتگی زیادی دارد. در قرآن هفتادبار عبارت «یوم القیامه» به کار رفته است (مثلاً بقره [۲]: ۸۵، ۱۱۳؛ نحل [۱۶]: ۱۲۴؛ مجادله [۵۸]: ۷؛ قیامه [۷۵]: ۱-۳۵)؛ همچنین واژه «الساعه» چهل بار آمده است (مثلاً انعام [۶]: ۳۱، ۴۰؛ نازعات [۷۹]: ۴۲). واژه‌های دیگری نیز برای بیان این منظور در قرآن به کار رفته است، مثل «یوم الحساب» (ص [۳۸]: ۱۶، ۲۶، ۵۳).

در ادامه این مدخل، به بررسی سایر آیات قرآن درباره داوری در روز قیامت، محشر، صراط، بهشت و دوزخ و نحوه مکافات مجرمان و پاداش نیکوکاران پرداخته شده است. سپس نحوه رستاخیز مردگان و نیز آغاز قیامت، آمدن دجال، و... بیان شده و در انتها به مقایسه روز قیامت در اسلام با روایات یهودی پرداخته شده است.

حدیث HADITH (۷: ۱۰۵۱-۱۰۵۲)

حدیث علم سنت اسلامی، به ویژه درباره اعمال، گفته‌ها، فضایل، عقاید و شیوه‌های زندگی حضرت محمد است. حدیث یکی از چهار منبع فقه است.

اسلام ISLAM (۹: ۱۰۵-۹۲)

اسلام دینی جهانی است (یعنی دینی است که فقط با یک قوم سروکار ندارد)، و جوان‌ترین دینی است که از یهودیت ریشه گرفته است.^۱ این دین منحصر در ایمان و شریعت دینی نیست، بلکه پیش‌زمینه فرهنگ خاصی است که ملل اسلامی را، علی‌رغم تمایزات جغرافیایی، نژادی و تاریخی، تا عصر حاضر به هم مرتبط کرده است.

اسلام در قرن هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان طلوع کرد و از آن جا به سراسر جهان راه یافت. این دین در شهر تجاری مدینه رشد یافت و پیامبر نیز خود بازرگان بود. این واقعیت در شریعت اسلامی نیز منعکس شده؛ چراکه برای ملتی شهرنشین و مدنی لحاظ شده است.

۱. طبق این باور، اسلام و مسیحیت دو دینی‌اند که منشأ یهودی دارند، و این البته با اعتقاد مسلمانان که اسلام را دینی آسمانی می‌دانند، سازگار نیست.

گرچه بیشتر مردمان این منطقه بت پرست بودند، ادیان توحیدی، یعنی یهودیت و مسیحیت، نیز برای ایشان ناشناخته نبودند.

در فعالیت پیامبر اسلام، امور زیر بارز است: ۱. بیان مفهوم روز داوری؛ ۲. معرفی الله به عنوان خدای واحد؛ ۳. آوردن شریعت مکتوب آسمانی؛ ۴. تأیید و تعیین خانه کعبه به عنوان زیارتگاه؛ ۵. احترام به ابراهیم «خلیل الرحمان» به عنوان نخستین موحد و بنیانگذار کعبه؛ ۶. آوردن شریعتی که نسبت به موقعیت ظهورش از نظر اخلاقی و اجتماعی پیشرفته است؛ ۷. مطرح کردن بنا و اساسی برای ساختار سیاسی و دینی جامعه مؤمنان؛ ۸. اطاعت برخی طوایف عرب از وی؛ ۹. بازگشت به مکه؛ ۱۰. مطرح کردن زبان عربی به عنوان زبان دینی.

نویسندگان در ادامه این مدخل مفصل به موارد زیر می پردازند: جهان اسلام و پراکندگی مسلمانان و جمعیت ایشان؛ گسترش دین اسلام؛ ظواهر و مراسم دینی؛ مکان های مقدس؛ مناظره با یهودیان؛ یهودیت و اسلام.

اسرائیلیات ISRAELITE (۹: ۱۰۶۷)

اسرائیلیات نام دو نوع ادبیات مسلمانان است که به دو موضوع متفاوت مربوط می شود: ۱. داستان هایی از کتاب مقدس، اساطیر، و دیگر روایات که در ادبیات یهودی، از شخصیت های کتاب مقدس، محققان، ربی ها و شخصیت های تلمود و میدارش ها به یادگار مانده است. اسرائیلیات کانالی بوده است برای جذب بسیاری از حکایات در گنجینه روایات تاریخی اسلام. منشأ این روایات معمولاً یهودیانی بودند که به اسلام گرویدند یا محققانی که دارای ریشه یهودی بودند. مشهورترین آنان کعب الاحبار و وهب بن منبه اند. وجود این روایات با اعتراض برخی فرق اسلامی مواجه شد.

۲. موضوع اصلی دیگر اسرائیلیات زندگی و کردار عرفای اسلامی است، مردان قدیمی متقی ای که در دوره ای شکوفا شدند که دوره «بنی اسرائیل» نامیده می شد.^۱

جهاد JIHĀD (۱۰۳: ۱۰۴)

جهاد جنگ مقدس در اسلام است. در سوره های مدنی به مسئله جهاد، یعنی جنگ

۱. متن مبهم است و ظاهراً مقصود نویسنده، داستان هایی است که عرفای مسلمان به انبیا و زهاد بنی اسرائیل نسبت می دادند.

مقدس بر ضد کافران و دشمنان خدا، پرداخته شده است (مثل سوره بقره [۲]: ۱۹۰-۱۹۴؛ ۲۱۶-۲۱۸، ۲۴۴ و...). قرآن به کشته شدگان در راه خدا وعده پاداش بزرگ می دهد (نساء [۴]: ۷۴). مطابق اسلام، امام مسلمین باید بر ضد اهالی شهرهایی که به اسلام تن در ندهند، جهاد کند. این شهرها دارالحراب و شهرهای اسلامی دارالاسلام نامیده می شوند. یهودیان و مسیحیان می توانند در دارالاسلام با عنوان ذمی زندگی کنند.

کلام KALĀM (۷۰۳-۷۰۱:۱۰)

الهیات مَدْرَسِی عربی؛ در این مدخل به کلام معتزله و اشاعره اشاره شده و به تأثیر کلام اسلام بر فلسفه یهودی پرداخته شده است. کلام در طی قرون وسطا بر متفکران یهودی، هم قارئون^۱ و هم پیروان شریعت شفاهی^۲ تأثیر داشته است. کلام معتزلی تأثیر زیادی بر سعدیا، که هم زمان با اشعری می زیست، داشته است، و این امر کاملاً در کتاب وی، کتاب الامانات والاعتقادات، آشکار است. بیشتر ادله وی بر ازلی نبودن جهان از کلام اقتباس شده است. وی همچنین از ادله کلامی در اثبات وحدت خدا سود جست. به طور کلی می توان گفت که کلام معتزلی از طریق آثار سعدیا تأثیر عظیمی بر اندیشه یهودی تا قرون وسطا داشته و این تأثیر به واسطه ترجمه آثار وی تا روزگار ما نیز رسیده است. پیش از وی، ابراهیم بن مروان نیز از کلام تأثیر پذیرفته بود.

ابن میمون آموزه های کلامی را در کتاب دلالة الحائرين توضیح داد و آنها را رد کرد، گرچه خود معترف است که دیدگاهش از برخی جهات با کلام شباهت دارد.

قرآن KORAN (۱۲۰۰-۱۱۹۴:۱۰)

در حالی که در یهودیت و مسیحیت، کتاب مقدس به مرور زمان و با توسعه دینی پدید آمد، اسلام از همان آغاز مبتنی بر یک کتاب بود.

در این مدخل به شکل ادبی قرآن، تأثیر یهودیت بر اسلام، معادشناسی، نام های خداوند، اطلاعات درباره پیامبران و روایات، پنج رکن دین و واجبات و محرمات، و قرآن در ادبیات یهودی و زبان عبری پرداخته شده است.

۱. Karaite (قرائیم): فرقه ای یهودی در قرن هشتم میلادی که تفاسیر حاخامی و تلمود را نمی پذیرفتند.

محمد[ص] MUHAMMAD (۵۱۱-۵۰۸:۱۲)

در این مدخل، زندگی نامه پیامبر اسلام، حضور وی در مکه و مدینه، و برخورد وی با طوایف یهودی بیان شده است.

تصوف SUFISM (۴۸۷-۴۸۶:۱۵)

این واژه بیانگر عرفان اسلامی است که حدود قرن هشتم میلادی در کشورهای اسلامی رایج شد و هنوز نیز دارای نفوذ است.

از معروفترین عارفان پرشور یکی بایزید بسطامی (م. ۸۷۵م) است که می‌گفت: «سبحانی، ما اعظم شأنی»، و دیگری حلاج (مقتول ۹۲۲م) است که بانگ اناالحق سر می‌داد. این جملات را ابن طفیل در مقدمه کتاب حی بن یقظان که در قرن چهاردهم میلادی به عبری ترجمه شد، نقل کرده است. به عقیده نویسنده مدخل، برخی عارفان اسلامی متأثر از عرفان یهودی بودند.

ج) مواجهه یهودی - اسلامی

تلقی یهودیان از مسلمانان و بالعکس و نیز برخوردهای ایشان با یکدیگر، موضوع بخشی از مدخل‌های این دایرةالمعارف است که به برخی اشاره می‌شود.

ضدیهودی‌گری ANTI-SEMITISM (۱۶۰-۸۶:۳)؛ در اسلام: ۱۰۰-۱۰۱)

ضدیهودی‌گری در اسلام، یکی از بخش‌های مدخل فوق است. به گفته نویسنده، قرآن، از دیدگاه الهیاتی، دربردارنده حملاتی بر ضد یهودیان است، چرا که ایشان حضرت محمد را به پیامبری قبول نداشتند.

در این مدخل، به ضدیهودی‌گری در کشورهای عربی نیز پرداخته شده است.

نوکیشان اجباری ANUSIM (۱۶۹-۱۷۴:۳)

موضوع این مدخل عبارت است از اجبار یهودیان با تهدید و شکنجه به تغییر دین. از جمله موارد مورد اشاره نویسنده، اجبار یهودیان اصفهان، مشهد و اسپانیای اسلامی (اندلس) به پذیرش اسلام است.

ارتداد APOSTASY (۳: ۲۰۱-۲۱۵؛ ارتداد به اسلام: ۲۱۱)

ارتداد یعنی رها کردن ایمان (یهودی) و پذیرش دین دیگر. در بخشی از این مدخل، ارتداد یهودیان به اسلام مطرح شده است. تعدادی از یهودیان عربستان در زمان حضرت محمد [ص] به اسلام گرویدند که معروف‌ترین ایشان عبدالله بن سلام است.

علامت خاص BADGE, JEWISH (۴: ۶۲-۷۳)

نویسنده این مدخل معتقد است که لزوم به همراه داشتن علامت خاص برای پیروان غیر از دین اکثریت، نه در مسیحیت، که در اسلام ریشه دارد. عمر بن عبدالعزیز (۷۱۷-۷۲۰م) نخستین حاکمی بود که دستور داد ذمیان باید لباس و علامت ویژه داشته باشند.

جدیدالاسلام JADID AL-ISLĀM (۹: ۱۲۴۶)

این اصطلاح در کشور ایران در مورد یهودیانی به کار می‌رود که با اجبار مسلمان شده‌اند. این تعبیر بیشتر در شهر مشهد و از زمان حکومت قاجار به کار رفته است.

کتاب مقدس BIBLE (۴: ۸۱۴-۹۶۸؛ در اسلام: ۹۲۷-۹۳۲)

پیش از ظهور اسلام، در دوره جاهلیت، جماعتی یهودی و سیعی در شمال و جنوب شبه جزیره عربستان می‌زیستند. از این رو، مردم این سرزمین از وجود کتاب مقدس آگاه بودند.

نویسنده پس از ذکر آشنایی شاعران عرب با کتاب مقدس، می‌افزاید که: حضرت محمد با تورات آشنا بود (آل عمران [۳]: ۶۵، ۹۳)، توراتی که به اهل کتاب داده شده و همانند قرآن وحی و کلام الهی است. تورات طریق هدایت و نور است، و پیامبران براساس آن برای یهود داوری می‌کردند (مائده [۵]: ۴۲).

نویسنده مدخل ادعا می‌کند که تمام اطلاعات حضرت محمد از کتاب مقدس، سخنانی است که از یهودیان و مسیحیان شنیده است. به زعم وی، پیامبر اسلام فقط در موارد اندکی ترجمه‌ای دقیق از متن کتاب مقدس ارائه داده و اکثر موارد برداشت آزاد است. نمونه ترجمه دقیق را این آیه ذکر می‌کند: «همه خوراکی‌ها بر فرزندان اسرائیل حلال بود، جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [= یعقوب] بر خویشان حرام ساخته

بود» (آل عمران [۳]: ۸۷). این آیه مطابق پیدایش، ۳۲: ۳۲ است؛ همچنین آیات راجع به قصاص (مائده [۵]: ۴۵؛ که منطبق است با خروج، ۲۱: ۲۳-۲۵). نویسنده مدخل فوق دیدگاه مفصل و نقادانه‌ای را درباره نگرش قرآن و پیامبر اسلام به کتاب مقدس مطرح کرده است.

د) ایران و یهودیت

ایران همواره مورد توجه یهودیان بوده است. از زمانی که کوروش فرمان آزادی یهودیان را صادر کرد، همیشه ایران پایگاه مهمی برای یهودیان بوده است. در این دایرةالمعارف نیز در چند مدخل به ایران و یهودیان ایران پرداخته شده است.

ایران IRAN (۸: ۱۴۳۹-۱۴۴۴؛ ۱۷: ۳۲۱؛ ده سال نامه ۸۳-۹۲؛ ۱۸۶-۱۸۷) ایران تا پیش از سال ۱۹۳۵ م / ۱۳۱۳ ش در روابط بین الملل پارس (پرشیا Persia) نامیده می شد. در این مدخل به بررسی وضع یهودیان ایران از تاریخ فوق پرداخته شده است و اطلاعات مربوط به پیش از این تاریخ در مدخل پارس آمده است. در سال ۱۹۴۸ م / ۱۳۲۶ ش حدود نود و پنج هزار یهودی در ایران ساکن بودند. در سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۵ م، حدود بیست و هشت هزار تن از ایشان به اسرائیل کوچیدند و سپس سه هزار تن از آنان به ایران بازگشتند. در سال ۱۹۵۶ م / ۱۳۳۴ ش، جمعیت یهودیان ایران در حدود هفتاد و پنج هزار نفر بود که در سال ۱۹۶۸ / ۱۳۴۶ به شصت هزار نفر کاهش یافت. در این زمان، ایران، پس از اسرائیل، بزرگ‌ترین جامعه یهودی در شمال آفریقا و آسیا را دارا بود.

در ادامه این مدخل به وضع تعلیم و تربیت، انتشارات، وضع زنان، اوضاع اقتصادی، اوضاع دینی، بهداشت، صهیونیسم و ساختار اجتماعی یهودیان در ایران پرداخته شده است. نویسنده ارتباط یهودیان ایران با غیریهودیان را چنین گزارش می کند:

یهودیان ایران مطابق قانون اساسی سال ۱۹۰۶ / ۱۲۸۴ ش دارای حقوق برابر شناخته شدند. از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۴ م (۱۳۲۶ تا ۱۳۴۲ ش) هیچ تعرضی علیه یهودیان صورت نگرفت. با استقرار دولت اسرائیل، اعراب کوشیدند تا مسلمانان ایران را بر ضد یهودیان بشورانند. نهادهای مسلمان اطلاعیه‌هایی بر ضد یهودیان پخش کردند، اما هیچ

خشوتی رخ نداد. فقط در مارس ۱۹۵۰م / ۱۳۲۸ش به یهودیان کردستان ایران حمله شد، اما حکومت نظم را بازگرداند. وقتی محمد مصدق در سال ۱۹۵۱م / ۱۳۲۹ش نخست‌وزیر ایران شد، تبلیغات ضدیهودی روحانیان مسلمان و جنبش سوسیالیست خلق شدت گرفت. مصدق خودش با یهودیان ضدیت نداشت، اما رژیم او بر پایه حمایت روحانیان مسلمان و ملی‌گراها برقرار شده بود و او حمایت ایشان را فراموش نمی‌کرد. پس از سقوط مصدق، حملات فوق پایان یافت.

در ادامه، به یهودیان کرد و رابطه یهودیان ایران با دولت اسرائیل پرداخته شده است. در جلد هفدهم، که وقایع سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ را دربردارد، و نیز در جلد ده‌سال‌نامه ۱۹۸۳ تا ۱۹۹۲ اوضاع یهودیان در ایران چنین گزارش شده است:

رابطه دوستانه ایران با دولت اسرائیل و تلاش‌های شاه ایران برای صلح به خاطر مخالفت‌های روزافزون در سال ۱۹۷۸م / ۱۳۵۶ش و با پیروزی انقلاب اسلامی در فوریه ۱۹۷۹م / بهمن ۱۳۵۷ش به رهبری آیت‌الله خمینی پایان یافت. دولت جدید صادرات نفت را به اسرائیل متوقف کرد. فعالیت‌های تبلیغی اسرائیل در تهران قطع شد. دولت جدید ایران به شدت با امضای معاهده صلح بین اسرائیل و مصر مخالف بود و رابطه خود را با مصر قطع کرد. صدها تن از یهودیان از ایران کوچیدند و برخی به اسرائیل و بیشتر آنان به ایالات متحده و اروپا رفتند.

در سال ۱۹۷۸م / ۱۳۵۶ش حدود هشتاد هزار یهودی در ایران می‌زیستند که از این تعداد، شصت هزار نفر در تهران، هشت هزار نفر در شیراز، سه هزار نفر در اصفهان و هزار و پانصد نفر در کرمانشاه و دوهزار نفر در شهرک‌های خوزستان ساکن بودند. ایشان از نظر فرهنگی، اقتصادی و حرفه‌ای اهمیت داشتند. ده درصد از ایشان بسیار ثروتمند بودند، ده درصد بسیار فقیر بودند و وضع اقتصادی بقیه ایشان رضایت‌بخش بود. شش درصد از جمعیت ده هزار نفری پزشکان ایران و نیز چهار درصد از دانش‌آموزان و دو درصد از دانشگاهیان یهودی بودند. در سال ۱۹۷۹م آیت‌الله خمینی اعلام کرد که یهودیان ایران اگر طرفدار صهیونیسم و اسرائیل نباشند در امان‌اند.

بسیاری از یهودیان ایران در سال‌های آغازین دهه ۱۹۸۰ کوچ کردند. اکنون [در سال ۱۹۹۲ / ۱۳۷۰] جمعیت یهودی ایران حدود بیست و پنج هزار نفر است که اکثراً در تهران ساکن‌اند.

پارس PERSIA (۱۳: ۳۰۲-۳۱۹)

در این مدخل گسترده، به اوضاع پارس از دوران دیرین تا زمان نامگذاری آن به ایران پرداخته شده است. ابتدا تاریخچه و سابقه پارس بیان شده، از کوروش و نقش وی در آزادی یهودیان سخن به میان آمده، و در ادامه به مطالب زیر اشاره شده است: پارس در پیش از دوران اسلامی؛ شش قرن نخست تحت حکومت خلفا (۶۴۲-۱۲۵۸م)؛ در حکومت خانانی (۱۲۵۸-۱۳۳۶م)؛ در حکومت صفویه (۱۵۰۲-۱۷۳۶م)؛ در حکومت قاجاریه (۱۷۹۴-۱۹۲۵م)؛ در حکومت پهلوی.

کوروش CYRUS (۵: ۱۱۴۸-۱۱۸۶)

پادشاه پارس در ۵۵۹ تا ۵۲۹ ق.م. کوروش در تاریخ بنی اسرائیل جایگاهی ویژه دارد. از وی در کتاب عزرا و در کتاب دانیال (۱: ۲۱؛ ۶: ۲۹؛ ۱۰: ۱) یاد شده است. در این عبارتها بیان شده که وی یهودیان را از اسارت بابل (در ۵۳۸ ق.م) آزاد کرد و به ایشان اجازه بازگشت به صهیون را صادر کرد و در جهت بازسازی معبد کوشید.

در کتاب اشعیا امیدهای این نبی چنین بیان شده است: «خداوند به مسیح خویش، یعنی به کوروش، که دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امتها را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم، تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازهها دیگر بسته نشود، چنین می گوید که من پیش روی تو خواهم خرامید و جایهای ناهموار را هموار خواهم ساخت... هنگامی که مرا نشناختی، ترا به اسمت خواندم و ملقب ساختم... (اشعیا، ۴۵: ۱-۱۳).

در آخر، دیدگاه اگادا درباره کوروش بیان شده است.

شاه عباس اول ABBAS I (۲: ۳۸-۳۹)

یهودیان در طی سلطنت شاه عباس اول، پادشاه ایران در سال ۱۵۸۸ تا ۱۶۲۹م از لطف وی، که نسبت به غیرمسلمانان آسانگیر بود، برخوردار بودند. در زمان حمله وی به گرجستان، یهودیان او را یاری دادند و او برای قدردانی از کمک ایشان، اجازه داد تا یهودیان جامعه ای جدید را در فرح آباد [خزرآباد فعلی]، در کناره دریای خزر، بنا کنند. وی نخستین حاکم مسلمان ایران بود که به کتاب مقدس عبری علاقه نشان داد.

در بخش دوم حکومت وی، به دلیل تحریک یهودیان تازه مسلمان، رفتار وی با یهودیان بد شد و یهودیان اصفهان مجبور به پذیرش اسلام شدند.

درمدخل‌های اصفهان (ISFAHAN)، مشهد (MESHED)، کردستان (KURDISTAN)، ادبیات یهودی - فارسی (JUDEO - PERSIAN)، و... می‌توان اطلاعاتی دربارهٔ ایران به دست آورد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی